



عکس: علی محمدی/ایران

صدای بلند موسیقی و فیلم در جامعه

محمد شمس لنگرودی: شعر به حاشیه زرفته اما دیگر صدای بلندی ندارد



مریم شهبازی
خبرنگار

تأکید دارد برای شهرت به سراغ سینما نرفته! در چند فیلم بازی کرده، حتی برای ایفای نقش در فیلم «احتمال باران اسیدی» سال گذشته نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش اول در جشن انجمن منتقدان شد اما با وجود این

هنوز خودش را بازیگر نمی داند. به موسیقی هم علاقه بسیاری دارد، آن هم از سال‌های دور نوجوانی، چند قطعه‌ای خوانده، ساز هم می زند اما خودش را خواننده نمی داند. تخصص اصلی اش شعر و شاعری است. چند دهه سابقه فعالیت جدی در حوزه شعر، تحقیق، پژوهش و تدریس در دانشگاه در رزومه اش ثبت شده اما می گوید برای شاعری شعر نگفته! محمد شمس لنگرودی از آن دسته شاعرانی است که تجربه فعالیت در عرصه‌های مختلف فرهنگ و هنر به نامش ثبت شده، حتی چند مان بزرگسال و چند قصه‌ای هم برای کودکان نوشته است. او بتازگی در فیلم «دوباره زندگی» نقش مقابل گلاب آدینه را بازی کرده، فیلمی که شانس حضور در جشنواره فیلم فجر امسال را پیدا نکرد اما سال آینده اکران می شود و شمس لنگرودی آن را کاری قابل تأمل می داند. او این روزها مشغول بازنویسی آخرین نوشته اش در حوزه رمان و همچنین بازبینی نهایی دو مجموعه شعر است که آنها را به احتمال بسیار سال آینده روانه بازار کتاب خواهد کرد. به بهانه فعالیت‌های او در حوزه‌های یاد شده، گفت و گویی با وی درباره ارزیابی اش از شعر، موسیقی و سینمای معاصر داشتیم که می خوانید.

بله اگر بگویم تناتر، صحیح تر است. در واقع آن روزها بیش از سینما به دنبال تناتر بودم و هرگز گمان نمی کردم بازیگر هنر هفتم شوم. بعد از یکسری اتفاقاتی که در زندگی ام رخ داد و خستگی ام از فضای شعر و البته نه از خود شعر، تصمیم گرفتم بازیگری را هم تجربه کنم. البته زمانی که برای بازی در نخستین فیلم دعوت شدم، علاقه چندانی به قبول آن نداشتم اما بعد دیدم که چقدر فضای متفاوتی از شعر و شاعری دارد. این تفاوت همان چیزی بود که به دنبالش بودم. خواهان تغییر فضای زندگی ام از روزمرگی‌هایی که اغلب گرفتار آن می شویم، بودم و آن را پذیرفتم. البته به مرور و با پیشنهادهای بعدی به دنیای بازیگری و سینما هم علاقه مند شدم.

از سینما و علاقه مندی تان به این عرصه گفتید، در شرایط فعلی چه جایگاهی برای سینمای ایران در عرصه جهانی قائل هستید؟

با وجود تمام کم و کاستی‌هایی که سینماگران ما با آن روبه‌رو هستند، گمان می‌کنم که شناخت جوانان فعال در این عرصه از سینما و تکنیک‌های آن بیشتر شده است. از همین رومعتقدم که هنرمندان ایرانی در همه رشته‌های هنری می‌توانند سرآمد شوند. این گفته‌ام برحسب احساسات نیست چرا که به کشور‌های بسیاری رفته‌ام، در برنامه‌های خارجی مختلفی هم برای شعر خوانی و حتی تدریس دعوت شده‌ام و براساس تجربه چنین نظری دارم. جالب است بگویم سال قبل با دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور به کنگره جهانی شعر چین دعوت شدیم و آنجا فهمیدیم که شعر ایران چند سر و گردن بالاتر از شعر سایر کشورهاست.

پس چرا خبری از شعر فارسی معاصر در عرصه‌های بین‌المللی شعر نیست؟

شعر فارسی معاصر برخلاف سینما فرصتی برای معرفی در کشورهای دیگر نداشته است. سینمای ایران به دلیل مشکلات و موانعی که با آن روبه‌رو است، نتوانسته آن طور که باید و شاید بدرخشد. فیلمنامه‌ها با مشکلات بسیاری روبه‌رو است، آن هم وقتی که مهم‌ترین وظیفه برعهده همین بخش از فیلم است. این در شرایطی است که در کشورهای دیگر فیلمنامه‌نویسی به عهده یک نفر نیست و گروه‌های فیلمنامه‌نویسی برای ساخت یک فیلم با مجموعه تشکیل می‌شود، حتی اتاق‌های دیالوگ‌نویسی تشکیل می‌دهند، دیالوگ‌ها را می‌نویسند و فیلمنامه بر همین اساس نوشته می‌شود. اما در کشور ما یک نفر به ناچار و اجبار شرایط می‌نشیند، فیلمنامه و دیالوگ‌ها را می‌نویسد و حتی کسی نیست که آن را بدرستی ویراستاری کند. با فیلمنامه‌ای که قوی نیست، نمی‌توان فیلم خوب ساخت و این یکی از

بازیگر شدن نداشتم، اتفاقاً در فیلمی که اشاره کردید در نقش یک شاعر تبعیدی بازی کرده‌ام. خوشبختانه این فیلم بعد از ۹ سال اجازه اکران گرفته است. شاید باز هم شرایطی پیش آید که در نقش شاعر بازی کنم، اما به طور قطع هیچ‌گاه نقش شاعری افسرده و غمگین که تارک دنیا شده و خلاف واقعیت است را بازی نخواهم کرد.

پس مشکلی با بازی در نقش شاعر ندارید، بلکه به تصور اشتباهی که شاعران را با آن به تصویر می‌کشند، نقد دارید!

همین طور است، اگر در فیلمی نقش شاعری به من پیشنهاد شود که فعال بوده و گوشه‌نشین نباشد قبول خواهم کرد، نمی‌خواهم خودم هم به تصورات اشتباهی که درباره شاعران ارائه شده دامن بزنم. علاوه بر این متن خود فیلمنامه هم برایم از اهمیت بسیاری برخوردار است.

طی چند سال اخیر حضورتان در هنر هفتم پررنگ شده، بویژه که قبل از فعالیت جدی در عرصه شعر، سواد بازیگری را هم در سر داشته‌اید. با این حساب به علاقه‌سال‌های نوجوانی جوانی تان بازگشته‌اید یا بازیگری برایتان حکم ساعت استراحت، آن هم بعد از چند دهه فعالیت ادبی جدی دارد؟

هر دو نکته‌ای که به آن اشاره کردید، در ارتباط با ورودم به سینما نقش داشته است. شاید بتوان گفت قدری به دنبال تغییر فضای زندگی حرفه‌ای و شخصی ام بوده‌ام. از سوی دیگر سینمایکی از علایقی است که از دوران نوجوانی ام به سراغ یادگیری اش رفتم و آن را براساس روش «استانیسلاوسکی» فراگرفتم و آن روزها جقدر عاشق «برشت» بودم. پس بهتر است بگویم به جای سینما به تناتر علاقه مند بودید!

شمانه تنها در عرصه شعر، بلکه در حوزه‌های بازیگری و موسیقی هم کار کرده‌اید. جشنواره فیلم فجر را بتازگی پشت سر گذاشته‌ایم، فیلم‌های امسال را چطور دیدید؟

تا به امروز در هیچ جشنواره و جایزه‌ای شرکت نکرده‌ام و هرگز فیلمی را در جشنواره‌ها ندیده‌ام. مگر زمانی که فیلمی با بازی خودم اکران شده باشد و بنا بر دعوت و به حرمت دوستان در آن شرکت کرده باشم. از همین روتنها دومرتبه در جشنواره‌ها شرکت کرده‌ام و اطلاعی از فیلم‌های جشنواره این دوره ندارم. البته امسال در فیلم «دوباره زندگی»، با خانم گلاب آدینه حضور داشتیم، فیلم بموقع آماده شد و آن طور که بسیاری از دوستان می‌گویند، کار خوبی هم از آب درآمده است، منتهی به آن اجازه شرکت در جشنواره فیلم فجر داده نشد.

این فیلم در چه ژانری است و شما در آن چه نقشی ایفا کرده‌اید؟

در این فیلم نقش مقابل خانم آدینه را بازی می‌کنم، ما صاحب فرزند می‌شویم که برای او مسائلی رخ می‌دهد و داستان فیلم را شکل می‌دهد.

پس نقشی که در این فیلم بازی کرده‌اید، ارتباطی با شاعر بودن تان ندارد؟

نه! به هیچ وجه تمایل ندارم به عنوان شاعر قدم به سینما بگذارم و این کار به نظر من سوء استفاده از موقعیت شاعری ام به شمار می‌آید. علاوه بر این علاقه مندم در نقش‌هایی متفاوت بازی کنم چرا که به سینما علاقه دارم و برای شهرت به سراغ آن نرفته‌ام.

اما ورودتان به سینما با ایفای نقش به عنوان یک شاعر بود! بله و شاید جالب باشد که بدانید آن زمان هیچ تصمیمی به